

## بررسی شکنجه علیه زنان در کشورهای مختلف با رویکرد خصوصی و مسئولیت بین المللی

محمدجواد حیدریان دولت آبادی

فارغ التحصیل گروه حقوق بین الملل دانشگاه علوم قضائی

### چکیده

احترام جهانی به حقوق زن و رعایت واقعی آن از اصول مهم و بنیادین جوامع بشری است. در نتیجه خشونت و تبعیض علیه زنان مبنایی بر نقض حقوق بشر و آزادی های اساسی زنان محسوب می گردد. با توجه به تفاوت سطح زندگی، تفاوت های اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی در جوامع مختلف، مفاهیمی چون امنیت، آزادی، تمامیت و وقار تعریف متفاوتی دارند. علیرغم وجود اسناد بین المللی، دولت ها خود را ملزم به رعایت قوانین بین المللی در زمینه حقوق زنان نمی دانند و هم چنان اعمال تبعیض ها علیه زنان در بسیاری از کشورها ادامه دارد. این گونه تفاوت ها و تبعیض ها موجب سلب اعتماد به نفس، کاهش حضور زنان در جامعه، عدم پیشرفت آنان، ایجاد ناراحتی های روحی و روانی، عدم تربیت صحیح فرزندان و پیامدهای سوء دیگری می گردد. در این تحقیق پس از بررسی قوانین بین المللی در زمینه حقوق زنان به بررسی آثار سوء شکنجه و خشونت علیه زنان بر زنان، کودکان و جوامع انسانی پرداخته شده و در نهایت خلأهای قانونی ذکر و پیشنهاداتی جهت بهبود شرایط موجود با تأکید بر پیشنهاد های انتظامی - اجتماعی ارائه شده است.

کلمات کلیدی: شکنجه زنان، تبعیض، مسئولیت بین المللی.

## مقدمه

در بعضی جوامع، برابری حقوقی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به دلایلی از جمله خشونت و تبعیض محدود می‌شود. شکنجه علیه زنان، نقض اصول برابری حقوق و احترام به شخصیت انسانی است و این شکنجه‌ها و تبعیض‌ها مانعی است برای شرکت زنان در شرایط مساوی با مردان در زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای آنان و نیز از سعادت جامعه و خانواده جلوگیری می‌کند و باعث به وجود آوردن مشکلات بیشتر برای توسعه و قابلیت‌های زنان جهت خدمت به کشور خودشان و جامعه بشری می‌شود. امروزه، با توجه به تغییر نقش سنتی مردان و زنان در جامعه و خانواده، دستیابی به برابری کامل بین مردان و زنان ضروری است ولی متأسفانه علیرغم وجود اسناد گوناگون و فراوان، هنوز شکنجه علیه زنان وجود دارد. دولت‌ها برای رفع این تبعیض‌ها، در صدد انعقاد معاهدات، کنوانسیون‌ها و میثاق‌هایی برآمدند و ضمن پیوستن به معاهدات و کنوانسیون‌ها، خود را به اجرای آن متعهد نمودند و متعاقباً در صورت نقض تعهدات ایجادشده از جانب دولت‌ها، مسئولیت بین‌المللی برای آن‌ها متصور خواهد شد.

یکی از مسائل مبهم در این زمینه، وجود مسئولیت بین‌المللی و ضمانت اجرای مؤثر برای دولت‌هاست. در پژوهش حاضر، سعی شده است مواد موجود در این مبحث جمع‌آوری و به بررسی کنوانسیون‌های حاضر پرداخته شود.

مطالعاتی بسیار، ارتباط بین جنسیت و توسعه اقتصادی از اوایل دهه‌ی هفتاد را بررسی کرده‌اند. با مروری بر وضعیت زنان در جهان و مقایسه‌ی آن با شرایط مردان، روشن می‌شود که زنان از دیدگاه برخورداری از امکانات و مشارکت فعال در توسعه از آسیب‌پذیرترین بخش‌های جمعیت هستند. بر اساس یافته‌های جدید، نابرابری‌های جنسیتی عاملی مهم در ایجاد شرایطی هستند که با توجه به الزامات و محدودیت‌های اجتماعی و قوانین و نرم‌های اجتماعی و اخلاقی و آداب و رسوم، تبعیض‌هایی را علیه زنان نشان می‌دهند. به دلیل اینکه موقعیت زنان در جامعه عمیقاً تحت تأثیر شرایط و سطوح توسعه در کشورها است، هرچه کشورها توسعه‌یافته‌تر باشند، شکاف بین توسعه‌یافتگی زنان و مردان کاهش می‌یابد. از این رو، بهبود وضعیت زنان جزء الزامات اصلی در بهبود شاخص‌های توسعه در هر جامعه است. به عبارتی؛ بدون توجه به شرایط زنان، دست‌یابی به توسعه برای هیچ کشوری میسر نخواهد بود. با وجود این، آمارها نشان می‌دهد که هیچ جامعه‌ای با زنان رفتاری برابر مردان ندارد.

## مبحث اول: مصادیق شکنجه علیه زنان

با توجه به تعاریفی که از شکنجه، کشورهای جهان سوم و کشورهای پیشرفته ارائه شد؛ و همچنین قوانین بین-المللی، به بررسی انواعی از رفتارها و هنجارها - که می‌توان شکنجه نامید - می‌پردازیم. سابقه پژوهش در این خصوص را می‌توان در ساحت مقالات مجله علمی پلیس زن به وفور مشاهده نمود. برای مثال می‌توان مقاله: «رابطه تنظیم هیجانی و عواطف مثبت و منفی مردان متاهل، با نگرش نسبت به خشونت علیه زنان (مورد مطالعه: شهر تهران)» را در شماره ۳۰ این مجله در تابستان ۹۸ با نویسندگی اشخاصی چون رعنا محمدزاده اسماعیلی؛ افسانه قنبری پناه و پریسا تجلی، مشاهده نمود.

### گفتار اول: شکنجه در کشورهای پیشرفته

با توجه به اعلامیه حقوق بشر «هرکس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد»<sup>۱</sup>

با وجود اینکه کشور فرانسه از کشورهای عضو کنوانسیون حقوق بشر است ولی از پذیرش و حضور دختران باحجاب و مسلمان در مدارس و دانشگاه‌های دارای سطح علمی بالا امتناع می‌ورزد. این اقدام، شکنجه و تبعیضی علیه زنان محسوب می‌شود و اعتراض بسیاری از ساکنین مسلمان کشور فرانسه را دربرداشت.

### گفتار دوم: شکنجه در کشورهای جهان سوم

طبق اعلامیه حقوق بشر «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه دارای عقل و وجدان می‌باشند و باید با یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.»<sup>۲</sup>

در گذشته، کشورهای عربی با به دنیا آمدن فرزند پسر جشن و سرور برپا می‌کردند و در مقابل، دختران را زنده‌به‌گور می‌کردند. با تغییر فرهنگ جامعه بشری، اکنون این کشورها وضعی بهتر از سابق دارند ولی هنوز هم دیدگاه‌ها نسبت به تولد فرزند دختر منفی است و خانواده‌های صاحب دختر احساس سرخوردگی می‌کنند و تولد دختران برخلاف پسران، موجب خرسندی و رضایت خانواده‌ها نمی‌گردد. در اعلامیه حقوق بشر آمده است:

«هرکس می‌تواند بدون هیچ تمایز - خصوصاً از حیث رنگ، جنس، نژاد، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده‌ی دیگر و همچنین ملیت و وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیه‌ی آزادی‌ها بهره‌مند گردد.»<sup>۳</sup>

و هم چنین در کنوانسیون رفع کلیه تبعیض علیه زنان آمده است:

<sup>۱</sup> - اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده نوزدهم

<sup>۲</sup> - پیشین، ماده اول

<sup>۳</sup> - همان، بند اول ماده دوم



« دولت‌های عضو کلیه اقدامات لازم و مناسب را در تمام زمینه‌ها به‌ویژه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و از جمله قانون‌گذاری، اعمال خواهند کرد تا بدینوسیله از توسعه و پیشرفت کامل (وضعیت) زنان اطمینان حاصل نمایند. ( این اقدامات) به منظور تضمین حقوق زنان جهت اعمال و بهره‌مندی آنان از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بر پایه برابری با مردان انجام خواهد گرفت.»<sup>۴</sup>

در برخی کشورها، زنان و دختران اختیاری در انتخاب یا عدم انتخاب حجاب ندارند، یعنی در این کشورها مسئله‌ی حجاب، اجباری است و حتی زنان دارای مذهبی غیر از اسلام، که برای سیاحت و امور سیاسی یا اقتصادی وارد این کشورها می‌شوند باید حجاب مورد نظر آن کشورها را داشته باشند. در برخی کشورها مانند عربستان، زنان مجبور به پوشیدن چادر هستند و حتی بالجبار صورت خود را باید از دید نامحرمان دور نگه دارند. این امر سبب کمرنگ شدن حضور زنان در جامعه، سلب اعتماد به نفس و محرومیت آنان از برخی مشاغل می‌گردد.

طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر «هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.»<sup>۵</sup> با توجه به این ماده، تبعیض بین زنان و مردان در انجام امور اجتماعی، مدنی، سیاسی و هر امر دیگری خلاف قواعد حقوق بین‌الملل می‌باشد ولی زندگی بشری با این اصول مغایر است. در کشوری مانند عربستان، زنان حق رانندگی ندارند. آن‌ها قادر به انجام امور شخصی خود و حضور بدون مانع در اجتماع نیستند، در نتیجه کاملاً از آزادی به دور می‌باشند و به گونه‌ای حق زندگی آزادانه – در حدی که سایر زنان بهره‌مندند – از آنان سلب شده است. در اعلامیه حقوق بشر آمده است: «احدی را نمی‌توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه یا خلاف انسانیت و شئون انسانی یا موهن باشد.»<sup>۶</sup>

در عالم واقع بسیار اتفاق می‌افتد که مردان، به دلیل عقده‌های روانی، وضع بد اقتصادی، فشارهای اجتماعی و ... زنان را ربوده، اشیاء گرانبهای آن‌ها را دزدیده و آنان را مورد تجاوز قرار می‌دهند. در کشورهای جهان سوم و توسعه نیافته این آمار بیشتر به چشم می‌خورد. زیرا بدلیل وضع بد اقتصادی و اجتماعی، فشارها بیشتر و مردان تعادل روانی خود را از دست می‌دهند و دست به شدیدترین شکنجه‌ها علیه زنان می‌زنند.<sup>۷</sup>

طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر: «احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود، نباید مورد مداخله‌های خود سرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هر کس حق دارد در مقابل اینگونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد.»<sup>۸</sup>

<sup>۴</sup> - کنوانسیون حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان مصوبه ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ (۲۷ آذر ۱۳۵۸) - قطعنامه شماره ۳۴/۱۸۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد

قدرت اجرایی بنابر ماده ۲۷ (۱) سوم سپتامبر ۱۹۸۱ (۱۲ شهریور ۱۳۶۰)، ماده سوم

<sup>۵</sup> - اعلامیه جهانی حقوق بشر، پیشین، ماده سوم

<sup>۶</sup> - همان، ماده پنجم

<sup>۷</sup> - Fortin K, 2008: An evaluation of the Committee against Torture's attitude to sexual violence, Rape as Torture, Volume 4, Issue 3.

<sup>۸</sup> - اعلامیه جهانی حقوق بشر، پیشین، ماده دوازدهم

و کنوانسیون حذف تبعیض علیه زنان:

«دولت‌های عضو اقدامات مقتضی را که شامل وضع قانون به‌منظور (جلوگیری از) تمام اشکال معامله بر روی زنان و بهره‌برداری از روسپیگری آنان است، بعمل خواهند آورد.»<sup>۹</sup>

در کشوری مانند عراق، افغانستان و پاکستان، زنان را مانند ابزار و کالایی در نظر می‌گیرند که در زندگی خصوصی خود و عواملی از جمله انتخاب همسر، کمترین اختیاری ندارند. در این کشورها، دختران مانند کالا مورد معامله قرار می‌گیرند. ثمنی معین می‌شود و برای به اختیار درآوردن زوجه، آنرا به پدر دختر می‌پردازند.<sup>۱۰</sup> در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است:

«هر زن و مرد بالغی حق دارند بدون هیچگونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت یا مذهب با یکدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده دهند. در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر در کلیه امور مربوط به ازدواج دارای حقوق مساوی می‌باشند.»<sup>۱۱</sup> و در همین اعلامیه آمده است:

«ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد واقع شود»<sup>۱۲</sup>.

در کشورهای اسلامی، زنان مسلمان فقط می‌توانند با مردان مسلمان ازدواج کنند ولی مردان مسلمان می‌توانند با زنی با هر مذهب و اعتقادی ازدواج کنند زیرا باز هم زن غیرمسلمان در این شرایط باید به دین همسر خود درآید. در نتیجه، مردان می‌توانند با هر زنی - با هر دینی - ازدواج کنند، حتی در صورت یکسان نبودن مذاهب، مذهب مرد به زن تحمیل می‌شود ولی زنان مسلمان فقط باید با مردان مسلمان ازدواج کنند.<sup>۱۳</sup> هم‌چنین، در بسیاری از کشورهای توسعه‌نیافته، حق طلاق فقط برای مردان در نظر گرفته شده است یعنی در بعضی خانواده‌ها زنان علیرغم شکنجه و خشونت که متحمل می‌شوند، مجبور به زندگی در همان شرایط هستند و انحلال زندگی زناشویی فقط توسط مردان صورت می‌گیرد.

علاوه بر این، حتی برای زنان هنگام انحلال زندگی زناشویی مبنی بر تقسیم دارایی زوج، در نظر گرفته نشده است؛ در صورتیکه در بسیاری از کشورهای پیشرفته مانند فرانسه، آمریکا، انگلیس و ... نیمی از دارایی زوج که بعد از ازدواج به‌دست آمده است، به زوجه انتقال می‌یابد. طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر:

«هر کس حق دارد در اداره‌ی امور عمومی کشور خود، خواه مستقیماً و خواه از طریق نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند شرکت جوید.»<sup>۱۴</sup>

<sup>۹</sup> - کنوانسیون حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، پیشین، ماده ششم

<sup>۱۰</sup> - Bahdi R, 2002: Duke Journal of Gender Law & Policy, Volume 9:237.

<sup>۱۱</sup> - اعلامیه جهانی حقوق بشر، پیشین، بند اول ماده شانزدهم

<sup>۱۲</sup> - همان، بند دوم ماده شانزدهم

<sup>۱۳</sup> - Mattler S, Michael P, 2005: Forced marriage, Case Research Paper Series in Legal Studies, Working Paper 05-35.

<sup>۱۴</sup> - همان، ماده بیست و یکم



و طبق کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان:

«دولت‌های عضو اقدامات مقتضی برای حذف تبعیض علیه زنان در حیات سیاسی و اجتماعی کشور بعمل آورده و بویژه اطمینان حاصل نمایند که (در شرایط) مساوی با مردان، حقوق زیر برای آنها تامین گردد: الف: (حق) رای در همه انتخابات و همه بررسی‌های عمومی و صلاحیت انتخاب شدن در تمام ارگانهای انتخاباتی عمومی»<sup>۱۵</sup>

با وجودی که سال‌ها از آزادی زنان در رأی دادن می‌گذرد، هنوز هم در کشور عربستان زنان از حق رأی دادن محرومند. آنان در انتخاب نمایندگان، تعیین سرنوشت خود و حضور در جامعه هیچ نقشی ایفا نمی‌کنند زیرا این حق، بنا به درخواست دولتمردان از آنان سلب شده است.

طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر:

«هر کس حق دارد با تساوی شرایط به مشاغل عمومی کشور خود نایل آید.»<sup>۱۶</sup>  
و طبق کنوانسیون حذف کلیه تبعیض علیه زنان:

«(حق) شرکت در تعیین سیاست‌های حکومت (دولت) و اجرای آنها و به عهده داشتن پست‌های دولتی و انجام وظائف عمومی در تمام سطوح حکومتی (دولتی) ج: (حق) شرکت در سازمان‌ها و انجمن‌های غیرحکومتی (دولتی) که مربوط به حیات سیاسی و اجتماعی کشور است.»<sup>۱۷</sup>  
و طبق همین کنوانسیون:

«دولت‌های عضو اقدامات لازم و مقتضی را در جهت حذف تبعیض علیه زنان در زمینه اشتغال به عمل خواهند آورد و اطمینان می‌دهند که بر پایه برابری مردان و زنان و حقوق یکسان (آنها) بویژه در موارد زیر عمل نمایند:

ب- حق (برخورداری از) فرصت‌ها و امکانات شغلی یکسان که شامل درخواست ضوابط (معیار) یکسان در مورد انتخاب شغل است.»<sup>۱۸</sup>

در اکثر کشورهای جهان سوم از جمله ایران، عربستان، عراق، افغانستان، پاکستان و برخی کشورهای آفریقایی، زنان از تصدی برخی مشاغل دولتی و حکومتی محرومند. در این کشورها، فرد اول و دوم در حکومت باید مرد باشند، از جمله در ایران که زنان از رسیدن به مشاغل مانند ریاست جمهوری، نخست‌وزیری، معاونت کشور و قضاوت محرومند. در برخی کشورها مانند عربستان حتی زنان قادر نیستند به سمت وزارت و قضاوت هم نائل شوند.

در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است:

<sup>۱۵</sup> - کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، پیشین، بند اول ماده هفتم

<sup>۱۶</sup> - اعلامیه جهانی حقوق بشر، پیشین، بند دوم ماده بیست و یکم

<sup>۱۷</sup> - کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، پیشین، بند دوم و سوم ماده هفتم

<sup>۱۸</sup> - همان، بند دوم ماده یازدهم

« هرکس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب نماید، شرایط منصفانه و رضایت بخشی برای کار خود خواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد.»<sup>۱۹</sup>

و در کنوانسیون رفع کلیه تبعیض علیه زنان آمده است:

« دولت‌های عضو اقدامات مقتضی زیر را به عمل خواهند آورد:

الف- اصلاح الگوهای رفتاری اجتماعی و فرهنگی مردان و زنان به منظور دستیابی به حذف تعصبات، عادات و دیگر عملکردها که بر پایه اعتقادی دون و زیر دست قرار دادن یا برتری (یک جنس نسبت به جنس دیگر) یا نقش‌های کلیشه‌ای برای مردان و زنان قرار دارد.»<sup>۲۰</sup>

و همچنین در این کنوانسیون آمده است:

« دولت‌های عضو اقدامات لازم و مقتضی را در جهت حذف تبعیض علیه زنان در زمینه اشتغال بعمل خواهند آورد و اطمینان می‌دهند که بر پایه برابری مردان و زنان و حقوق یکسان ( آن‌ها) بویژه در موارد زیر عمل نمایند:

الف- حق کار به‌مثابه حق جدا ناپذیری تمام افراد بشر»<sup>۲۱</sup>

با توجه به این سه ماده، امتناع مردان در برخی کشورها و فرهنگ‌ها از کار کردن زنان، بی‌اساس و پایه و بدون هیچ‌گونه توجیه حقوقی است زیرا این حق بطور مسلم برای همه‌ی انسانها در نظر گرفته شده است. طبق کنوانسیون رفع کلیه تبعیض علیه زنان:

«۱- دولت‌های عضو به زنان حقوق مساوی با مردان در زمینه کسب، تغییر و یا حفظ تابعیت اعطاء خواهند کرد. دولت‌ها بویژه تضمین و اطمینان خواهند داد که ازدواج (زن با مرد خارجی) تغییر تابعیت شوهر در طی دوران ازدواج، خودبخود موجب تغییر تابعیت، عدم تابعیت یا تحمیل تابعیت شوهر به زن نخواهد شد.

۲- دولتهای عضو به زنان و مردان در مورد تابعیت فرزندانشان حقوق مساوی اعطا خواهند نمود.»<sup>۲۲</sup>

در قانون اساسی و مدنی برخی کشورها - از جمله ایران<sup>۲۳</sup> - تابعیت زوج به زوجه و فرزند صغیر او تحمیل می‌شود و تغییر تابعیت زوج سبب تحمیل تابعیت جدید به زوجه می‌شود ولی این قانون در مورد زوجه صدق نمی‌کند و تغییر تابعیت زوجه به زوج تحمیل نمی‌شود. حتی تغییر تابعیت مادرانی که حضانت فرزندان را به عهده دارند، موجب تغییر تابعیت فرزندان نمی‌شود مگر آنکه جد پدری نداشته باشند در حالیکه در قانون کشورهایمانند آمریکا و انگلیس، استقلال تابعیت برای زوجه در نظر گرفته شده است.<sup>۲۴</sup>

۱۹ - اعلامیه جهانی حقوق بشر، پیشین، بند اول ماده بیست و سوم

۲۰ - کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، پیشین، ماده پنجم

۲۱ - همان، ماده یازدهم

۲۲ - همان، ماده نهم

۲۳ - قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، ماده ۹۷۴ و ۹۷۶

۲۴ - همان، تبصره ب ماده ۹۸۸



در کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان آمده است:

« دولت‌های عضو کلیه اقدامات مقتضی و لازم را برای حذف هرگونه تبعیض علیه زنان در جهت تضمین حقوق برابر آنان با مردان در زمینه آموزش بویژه در موارد زیر بعمل خواهند آورد:

الف- شرایط مساوی برای رهنمودهای شغلی و حرفه‌ای جهت راهیابی به تحصیل و دستیابی مدارک از موسسات آموزشی در تمام سطوح مختلف در مناطق شهری و روستایی. این برابری می‌بایست در دوره‌های پیش دبستانی، عمومی، فنی، حرفه‌ای و آموزش عالی فنی و نیز در تمام انواع دوره‌های کارآموزی حرفه‌ای تضمین گردد.

ب- (امکان) راهیابی به دوره‌های تحصیلی، امتحانات، کادر آموزش با کیفیت‌ها و معیارهای یکسان و تجهیزات آموزشی با کیفیت‌های مساوی با (مردان) تضمین گردد.

ج- حذف هر نوع مفهوم کلیشه‌ای از نقش زنان و مردان در تمام سطوح و تمام اشکال مختلف آموزشی بوسیله تشویق آموزش مختلط (پسران و دختران) و دیگر انواع آموزش که دستیابی به این اهداف را کمک خواهد نمود، بویژه در تجدید نظر متون کتابهای درسی و برنامه‌های مدارس و تعدیل روش‌های آموزشی.<sup>۲۵</sup>

این در حالی است که در برخی کشورهای توسعه‌نیافته و کمتر توسعه‌یافته، فرصت‌های تحصیلی برای زنان و مردان مساوی نمی‌باشد. در این جوامع، زنان از اشتغال به تحصیل در بعضی رشته‌ها محروم‌اند. به طور مثال در ایران، دختران از تحصیل رشته‌هایی مانند مهندسی معدن، برخی گرایش‌های رشته مهندسی کشاورزی و رشته‌هایی از این قبیل محروم‌اند. هم‌چنین، آموزش عالی کشور سعی در جداسازی کلاس‌های درس و البته دانشگاه‌ها نموده است. اینگونه تفکیک جنسیتی باعث بروز خطرات و مشکلات جدی در جامعه و جوانان می‌گردد.

در کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان آمده است:

« دولت‌های عضو کلیه اقدامات مقتضی و لازم را برای حذف هرگونه تبعیض علیه زنان در جهت تضمین حقوق برابر آنان با مردان در زمینه آموزش به‌ویژه در موارد زیر به‌عمل خواهند آورد:

( ایجاد) فرصت‌های یکسان جهت شرکت فعال (زنان) در ورزش و تربیت بدنی.<sup>۲۶</sup>

در برخی کشورها از جمله کشورهای اسلامی، زنان از حضور و شرکت در ورزش‌هایی مانند فوتبال، والیبال، شنا، تنیس، پینگ‌پنگ و بسیاری از ورزش‌ها بصورت حرفه‌ای و در عرصه‌ی بین‌المللی - علیرغم استعداد و علاقه‌شان - محروم می‌شوند. هم‌چنین، در این کشورها اجازه‌ی حضور به زنان در ورزشگاه‌ها و مکان‌های ورزشی برای دیدن مسابقات وجود ندارد.

در کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان آمده است:

« دولتهای عضو، حقوق یکسان مردان و زنان را در برابر قانون و در مورد تردد (مسافرت) افراد، آزادی انتخاب مسکن و اقامتگاه خواهند پذیرفت.<sup>۲۷</sup>

<sup>۲۵</sup> - کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، پیشین، ماده دهم

<sup>۲۶</sup> - همان، بند (ز) ماده دهم

<sup>۲۷</sup> - همان، بند چهارم ماده پانزدهم



ولی در واقع طبق قانون اساسی و مدنی بسیاری از کشورها- از جمله ایران<sup>۲۸</sup>- اقامتگاه زوج به زوج تحمیل می‌شود.

### گفتار سوم: گزارش سازمان حقوق بشر در مورد خشونت علیه زنان در عراق

«سازمان دیده‌بان حقوق بشر» با انتشار گزارش تحقیقی مفصلی از خشونت سازمان‌یافته علیه زنان عراقی در زندان‌های این کشور پرده برداشت.

این گزارش که با عنوان «هیچ‌کس امنیت ندارد» در ۱۰۵ صفحه تنظیم شده است، بر مبنای اسناد و مدارک و گفت‌وگوهای رودررو با ۲۷ زن تنظیم شده است که سابقه‌ی زندانی شدن در عراق دارند. دیده‌بان حقوق بشر دولت عراق را متهم کرد و اظهار داشت که هزاران زن بدون دلیل قانونی محکم و ادله‌ی کافی دستگیر و در بدترین شرایط در زندان‌های کشور حبس شده‌اند.

شکنجه جسمی و روحی، تجاوز جنسی، شوک الکتریکی، تهدید به تجاوز، کتک، آزار و اذیت کلامی، آویزان کردن به شکل وارونه از سقف‌های زندان و کتک با باتوم بعضی از خشونت‌های سازمان‌یافته‌ای است که مقامات زندان‌های عراق علیه زنان به کار می‌گیرند.

دیده‌بان حقوق بشر می‌گوید یکی از زنان درحالی برای گفت‌وگو با ناظر این سازمان به خانه‌ای امن در محله‌ای در بغداد آمد که از شدت درد هنوز نمی‌توانست به درستی صحبت کند و راه برود. ناظر سازمان می‌گوید: «جای سوختگی بر روی بدن، بینی شکسته و آثار زخم روی دست‌ها، بعضی از آثار شکنجه‌های شدید بر تن این زن بود.»

براساس گزارش این سازمان مدافع حقوق بشر، دسترسی به دارو و خدمات درمانی در زندان‌های عراق نیز به شدت محدود و ناکافی است و بسیاری از زندانیان از همان دسترسی اندک نیز محروم می‌شوند.

دیده‌بان حقوق بشر گزارش ۴۲۰۰ پرونده‌ی زنان زندانی را بررسی کرده است. دیده‌بان حقوق بشر می‌گوید اگرچه مردان و زنان هر دو با خشونت و شکنجه در سیستم قضایی ناکارآمد عراق مواجه‌اند، اما زنان با خشونت مضاعفی روبرو هستند. بسیاری از زنان هرگز جرمی مرتکب نشدند و تنها برای این که می‌توان از آن‌ها به عنوان ابزار فشار به مردان خانواده استفاده شود، بازداشت و برای ماه‌ها و گاه سال‌ها بی‌تفهم اتهام زندانی می‌شوند.

گزارش نشان می‌دهد که مقامات عراقی به شکل سازمان‌یافته به خانواده‌های گروه‌های مخالف دولت مرکزی حمله و زنان را گروهی دستگیر می‌کند. قانون مبهم مبارزه با تروریسم مصوب سال ۲۰۰۵ کشور نیز دست مقامات را باز گذاشته تا بدون شواهد و هیچ‌گونه سابقه‌ی فعالیت تروریستی، زنان را بازداشت کنند.<sup>۲۹</sup>

<sup>۲۸</sup> - قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، پیشین، ماده ۱۰۰۵

<sup>۲۹</sup> - دویچه وله فارسی، ۲۰۱۴/۰۲/۱۶، خشونت سازمان‌یافته علیه زنان زندانی در عراق، آدرس دسترسی:

مسئولیت بین‌المللی همانند نهاد حقوقی بین‌المللی است و شامل اجباری است که دولت‌ها در صورت ورود خسارت مادی یا معنوی به تابعان فعال حقوق بین‌الملل (کشورها و سازمان‌ها) ملزم به جبران آن خسارت هستند. این خسارت ممکن است ناشی از انجام عمل نامشروع یا خودداری از عمل باشد.

## مبحث دوم: مبنا و منشأ مسئولیت بین‌المللی دولت

چرا دولت‌ها ملزم به قبول مسئولیت و جبران خسارت وارده به دولت متضرر هستند؟ برای پاسخ به این سؤال، دو نظریه در حقوق بین‌الملل مطرح است.

### گفتار اول: نظریه خطر یا ریسک

مطابق با این اصل «هرگونه تخلف و قصور نسبت به یک قاعده حقوقی بین‌المللی (عرفی و معاهده‌ای) موجب مسئولیت بین‌المللی دولت می‌گردد و بایستی خسارت وارده را جبران نماید، خواه ایجاد این مسئولیت متضمن عنصر خطا باشد و یا نباشد»<sup>۳۰</sup>. در واقع صرفاً انجام عملی برخلاف مقررات و تعهدات بین‌المللی موجب احراز مسئولیت از سوی دولت متخلف می‌گردد و تقصیر یا عدم تقصیر و ورود خسارت به دولتی دیگر در این نظریه شرط محسوب نمی‌شود. این نظریه براساس پیشرفت‌های تکنولوژیک و عواقب و خطراتی که در پی آن شکل می‌گیرد، به‌وجود آمده است.

### گفتار دوم: نظریه خطا یا مسئولیت ذهنی

براساس این نظریه، «علت لزوم جبران خسارات، تقصیر عامل ورود زیان است. در واقع تحقق مسئولیت منوط به خطا و یا سهل‌انگاری مرتکب است و صرف نقص تعهد بین‌المللی، موجب ایجاد مسئولیت نمی‌شود»<sup>۳۱</sup>. پس تقصیر عنصر اصلی ایجاد مسئولیت در این نظریه است.

هر دو نظریه متأثر از وقایع و متناسب با رویدادهای زمان خویش شکل گرفته است؛ رویه قضایی در مواردی مطابق با نظریه خطا و در مواردی مطابق با نظریه خطر بوده است. بر این مبنا، هر دو در کنار هم و در عرض هم رشد کرده‌اند و عمل به یکی، به معنای طرد دیگری نیست. به عبارتی هر دو نظریه به قوت خود باقی، معتبر و قابل اجراست.

### گفتار سوم: بررسی عملی نظریه خطا (مسئولیت ذهنی) با نظریه خطر (مسئولیت عینی)

۱- این دو نظریه همواره هم عرض بوده و هیچ‌گاه به عنوان یک اصل مسلم مورد قبول واقع نشده‌اند.

<sup>۳۰</sup> - ضیایی بیگدلی، محمدرضا؛ ۱۳۸۴، حقوق بین‌الملل عمومی، کتابخانه گنج دانش، چاپ بیست و دوم، ص ۴۷۱ و ۴۷۲.

- پیشین، مستقیمی، بهرام، طارم سري مسعود، ص ۲۴. <sup>۳۱</sup>



- ۲- در احکام و رویه‌های قضایی صادره از سوی قضات و داوران بین‌المللی، زمانی عمل یا خودداری از عمل را جهت تحقق مسئولیت کافی دانسته و گاهی کوتاهی و قصور مرتکب را مدنظر داشته‌اند.
- ۳- براساس رویه بودن این دو نظریه در دادگاه‌های بین‌المللی، باید همین آزادی و استنباط قضایی در دعاوی مدنظر قرار گیرد.

### گفتار چهارم: نظریه مسئولیت برای اعمال منع نشده

در راستای نظریات کلاسیک در ارتباط با مسئولیت بین‌المللی، امروزه رویکرد جدیدی در این موضوع ارائه گردیده است. نظریه جدید با نام «مسئولیت برای اعمال منع نشده» متضاد نگرش‌های کلاسیک می‌باشد. طبق نظریات قدیم خطر و خطا، نقض تعهد بین‌المللی یا عمل و خودداری از عمل خلاف مقررات بین‌المللی، سبب ایجاد مسئولیت و در پی آن جبران خسارت به وجود آمده، می‌گردید ولی طبق رویکرد جدید، ترمیم و جبران خسارت، منوط به تحقق عمل خلاف نیست بلکه یک تعهد اولیه است. بنابراین صرف وارد شدن خسارت از سوی یک کشور برای ایجاد مسئولیت کافی است، هرچند که رفتار یا عمل صورت گرفته، از نظر حقوق بین‌الملل مجاز دانسته شود. شرایط و فعالیت‌ها و تکنولوژی کشورها زمینه‌ساز ایجاد این نظریه گشت و فعالیت‌های مجاز کشورها و عوامل زیست محیطی را می‌توان از عوامل مؤثر دانست.

### مبحث سوم: جایگاه مسئولیت بین‌المللی

مسئولیت بین‌المللی از موضوعات مهم و اساسی رشته حقوق بین‌الملل است. مسئولیت بین‌المللی رکنی مهم و اساسی در نظام بین‌المللی است در نتیجه، بی‌احترامی به قواعد آن و نقض تعهدات ناشی از آن، موجب تضعیف حقوق بین‌الملل و ایجاد ناامنی و بی‌ثباتی در روابط کشورها و اتباع آن‌ها می‌گردد.

مسئله مطرح‌شدن مسئولیت و متعاقباً در پی آن، جبران اعمال غیرقانونی و خسارات ناشی از آن، بی‌شک در رفتار دولت‌ها مؤثر است، زیرا احترام و حیثیت دولت‌ها در جامعه بین‌الملل، به‌طور مستقیم با این مسئله در ارتباط می‌باشد. تحقق مسئولیت بین‌المللی در گرو چهار شرط می‌باشد:

- ۱- نقض یکی از تعهدات بین‌المللی؛
- ۲- تحقق ضرر و زیان؛
- ۳- وجود رابطه سببیت؛
- ۴- قابلیت انتساب عمل زیان‌آور به یکی از سازمان‌های دولتی.

قابلیت انتساب عمل زیان‌آور ممکن است غیرمستقیم و در اثر اقدامات غیرقانونی و بدون مجوز افراد پایین‌رتبه ایجاد شود. مسئولیتی بین‌المللی برای جبران خسارات ناشی از نقض تعهدات حقوق بین‌الملل برای دولت‌ها متصور است. اغلب این مفهوم، با مسئولیت خسارات وارده به بیگانگان همراه است. درواقع نقطه اتکای مسئولیت بین‌المللی، عرف و عادت و اصل شناخته‌شده‌ای است که به سبب آن، کشوری که مرتکب عمل

نامشروعی شده، ناگزیر است زیان‌های وارده را به کشور زیان‌دیده را جبران کند. بنابراین، جبران خسارات - بدون این که قید آن در خود توافق‌نامه ضرورت داشته باشد - مکملی بر اجرای توافق‌نامه است. این نهاد حقوقی، برای اشخاص خارجی مقیم در هر کشور، اموال آنها در آن کشور و معاهدات منعقدہ میان اشخاص و دولت خارجی قابلیت اعمال دارد. هر نوع عمل تبعیض‌آمیز دولت محل اقامت اشخاص خارجی، باعث ایجاد مسئولیت بین‌المللی آن دولت خواهد شد. این یکی از اصول ابتدایی حقوق بین‌الملل به شمار می‌آید که هر کشوری مجاز است از اتباع خود که بر اثر ارتکاب اعمال مغایر با حقوق بین‌الملل کشور دیگر، زیان‌دیده، حمایت کند. اصل مسئولیت، قاعده‌ای عرفی است که در خصوص هر فرد یا مقام بدون کمترین تفاوت اجرا می‌گردد.

امروزه با توجه به گسترش ارتباطات، صنعت جهان‌گردی و روابط گسترده تجاری، بحث مسئولیت بین‌المللی دولت و کشورها بیش از پیش حائز اهمیت شده است. کشورها هم نسبت به حقوق و آزادی‌های اتباع خارجی ساکن در سرزمینشان و هم نسبت به حمایت دیپلماتیک از اتباع خود که طبق موازین بین‌المللی در کشوری دیگر سکونت دارند یا به گردش‌گردی و تجارت می‌پردازند، مسئول هستند.

بنابراین مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و مسئولیت‌پذیر بودن آنها، از عناصر اصلی نظام بین‌المللی موجود است. اگر این اصل خدشه‌دار گردد، نظم بین‌المللی که محصول اندیشه متفکران و تجربه درازمدت جامعه بشری است، مخدوش خواهد گردید. جامعه جهانی در مورد اصل پذیرش مسئولیت بین‌المللی، توافق دارند، اما این اصل، روی کدام مبنا و اساس استوار است؟ در این مورد، حقوق‌دانان دو دسته‌اند: بعضی‌ها معتقدند، مسئولیت بین‌المللی مبتنی بر ورود ضرر است. هرکس باعث ضرر شود باید جبران نماید. گروهی علاوه بر ضرر، وجود تقصیر را نیز شرط می‌دانند. به نظر می‌رسد مسئولیت امری عرفی باشد که مبتنی بر عرف و سیره عقلاست که اگر کسی به دیگری ضرر زد، مسئول جبران آن خواهد بود.

#### مبحث چهارم: قوانین مرتبط با مسئولیت دولت‌ها در خصوص شکنجه، تبعیض و خشونت علیه زنان

هدف و مبنای کنوانسیون‌ها، ایجاد قواعد و تعهداتی است که بسیاری از آنها با مرور زمان به عرف تبدیل می‌گردد. بر این مبنا، حتی کشورهایی که به کنوانسیون‌ها نمی‌پیوندند، ملزم به رعایت آن قواعد می‌شوند. همانطور که در بالا ذکر شد، تخلف از موازین بین‌المللی و نقض مقررات، سبب ایجاد مسئولیت برای دولت‌ها می‌شود. بنابراین، عدم توجه به مفاد کنوانسیون‌ها و نقض مقررات ناشی از آن، مسئولیتی غیر قابل انکار برای دولت‌ها در پی دارد. در نتیجه نقض مفاد کنوانسیون‌ها، منشورها، اعلامیه‌ها و سازوکارهایی از این قبیل که مرتبط با شکنجه و تبعیض هستند، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را ایجاد می‌کنند. در این مبحث، به قراردادهای بین‌المللی پرداخته می‌شود که در آنها موضوع شکنجه و مسئولیت متصور مرتبط با آن، از اهمیتی ویژه برخوردار است. هدف از طرح و جمع‌آوری این مقررات، ذکر اهمیت آن می‌باشد.

در ماده دوم کنوانسیون ضد شکنجه و رفتار یا مجازات خشن، غیر انسانی یا تحقیر کننده آمده است: « ۱- هر دولت عضو این کنوانسیون، موظف است اقدامات لازم و موثر قانونی اجرائی، قضائی و دیگر امکانات را جهت ممانعت از اعمال شکنجه در قلمرو حکومتی خود، بعمل آورد.

۲- هیچ وضعیت استثنائی کشوری، مانند جنگ و یا تهدید به جنگ، بی ثباتی سیاسی داخلی و یا هر گونه وضعیت اضطراری دیگر، مجوز و توجیه کننده اعمال شکنجه نمی باشد.

۳- دستور و حکم مقام مافوق (حکومتی) و یا مرجع دولتی، نمی تواند توجیه کننده عمل شکنجه باشد.» در ماده چهارم، پنجم و ششم اعلامیه حذف خشونت علیه زنان آمده است:

« دولت‌ها باید خشونت علیه زنان را محکوم نموده و نباید هیچ رسم، سنت یا ملاحظات مذهبی را برای وظیفه خود در رابطه با حذف آن بهانه کنند. دولت‌ها باید با استفاده از تمام شیوه‌های مناسب و بدون تأخیر یک سیاست حذف خشونت علیه زنان را تا پایان آن دنبال کنند.

ارگان‌ها و نمایندگی‌های ویژه سیستم سازمان ملل متحد باید، در حد توانایی خود، به شناساندن و تحقق حقوق و اصول مندرج در این اعلامیه یاری رسانند.

هیچ چیز در اعلامیه حاضر نباید هیچ یک از مواد قانون یک کشور یا هر عهدنامه یا میثاق بین‌المللی، یا سند دیگری را که در یک کشور اجرا می شود و در حذف خشونت علیه زنان ثاقب‌تر می باشد، تحت الشعاع قرار دهد.»

کنوانسیون حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان که در تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ (۲۷ آذر ۱۳۵۸) به تصویب رسید و قطعنامه شماره ۳۴/۱۸۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد قدرت اجرایی بنابر ماده ۲۷ (۱) سوم سپتامبر ۱۹۸۱ (۱۲ شهریور ۱۳۶۰) که در خصوص شکنجه علیه زنان اجرا شد، حاکی از اهمیتی است که دولت‌ها برای این موضوع قائل هستند. طبق این کنوانسیون، که به پیوست در این پژوهش خواهد آمد، دولت‌ها موظفند تمامی ابزارهای خود را برای سیاست محو تبعیض علیه زنان به کارگیرند و اصل برابری زنان و مردان را در قانون اساسی خود بگنجانند. هم‌چنین، دولت‌های عضو مکلفند اقدامات لازم در تمامی زمینه‌ها از جمله فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را برای پیشرفت و توسعه زنان انجام دهند.

طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر، همه افراد بشری با هم برابرند و حقوق و آزادی‌هایی برای آنان به رسمیت شناخته شده که بر آن مبنا، دولت‌ها در صورت نقض آن آزادی‌ها، متضمن مسئولیت خواهند شد. در ماده سی‌ام این اعلامیه آمده است:

« هیچ یک از مقررات اعلامیه حاضر نباید طوری تفسیر شود که متضمن حقی برای دولت، جمعیت یا فردی باشد که به موجب آن بتوانند هر یک از حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه را از بین ببرند یا در راه آن فعالیت‌های نمایند»

در میثاق بین‌المللی رفع تبعیض نژادی آمده است:

ماده اول بند ۴- دولت‌های عضو، اقداماتی ویژه و سریع را به منظور حفاظت از گروه‌های نژادی، بومی و یا افراد خاصی که مستلزم حفاظت‌های ضروری در جهت برخورداری مساوی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی هستند، به عمل خواهند آورد. این اقدامات ویژه به مثابه تبعیض نژادی محسوب نمی‌شود زیرا پس از رسیدن به این اهداف (برابری و رفع تبعیض) با همه به طور یکسان رفتار خواهد شد و حقوق ویژه‌ای برای گروه‌ها به وجود نخواهد آمد.

ماده دوم ۱- دولت‌های عضو تبعیض را محکوم می‌کنند و متعهد می‌شوند که با تمام وسایل و ابزارهای مناسب و بدون تأخیر، سیاست حذف تبعیض در تمام اشکال آنرا اتخاذ نمایند و تفاهم را میان تمام انسان‌ها تحقق بخشند. بدین منظور: الف- هر دولت عضوی، متعهد می‌گردد که در هیچ قانون یا رویه عملی تبعیض علیه افراد، گروه‌ها یا نهادها شرکت نکند و مطمئن شود که تمام مراجع و مسئولین نهادهای عمومی، ملی (داخلی) و منطقه‌ای طبق این تعهدات عمل نمایند. ب- هر دولت عضوی متعهد می‌شود که هیچ‌گونه مسئولیتی بوسیله افراد یا سازمان‌ها در دفاع از تبعیض را به عهده نگیرد. ج- هر دولت عضوی اقدامات مؤثری را در جهت تجدید نظر، اصلاح، لغو و نسخ سیاست‌های دولتی، ملی و منطقه‌ای که بر پایه تبعیض است، به عمل آورد. د- هر دولت عضو باید با تمام ابزارهای مناسب مانند وضع قوانین، تبعیض را که بوسیله افراد، سازمان‌ها و گروه‌ها اعمال می‌شود ممنوع گرداند تا به این وضع خاتمه داده شود. ۲- دولت‌های عضو با پذیرفتن این تعهدات، اقداماتی واقعی و ویژه‌ای را در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سایر زمینه‌ها در جهت برخورداری گروه‌های مختلف از حقوق کامل بشر و آزادی‌های اساسی، به عمل خواهند آورد.

ماده سوم دولت‌های عضو تبعیض و جداسازی را محکوم می‌کنند و متعهد می‌گردند که در قلمرو حکومتی خود از تمام عوامل بوجود آورنده آن، جلوگیری کنند و آن عوامل را ممنوع و از ریشه ساقط نمایند. همان‌گونه که مشاهده شد، معاهدات بین‌المللی در خصوص شکنجه و حتی تبعیض و شکنجه علیه زنان وجود دارد که طبق آن، مقررات و قواعد خاصی را برای بهبود و پیشرفت وضعیت حاضر در نظر گرفته‌اند. سرپیچی از این مقررات، مسئولیتی برای دولت‌های عضو در پی دارد ولی در هیچ‌کدام از معاهدات، ضمانت- اجرایی برای جبران خسارات پیش‌بینی نشده است. البته در عمل مشاهده می‌شود چنانچه تخلفی از جانب کشوری که عضو کنوانسیون است صورت گیرد، سازمان ملل متحد سریعاً برای دریافت گزارش و جوابی درخور شأن بین‌المللی اقدام می‌نماید که خود، اقدامی مثبت و گامی مؤثر در راه بهبود حقوق بشر و بالاجاه زنان می‌باشد.

با این وجود، تمامی مقررات موجود جزء قواعد نرم به حساب می‌آیند. شکنجه علیه زنان (در سطح خانواده از جمله خشونت خانگی و در سطح جامعه مانند تبعیض در کار، درآمد، نوع برخورد و ...) همواره ادامه دارد. در نتیجه، صرفاً تصویب کنوانسیون‌ها نمی‌تواند پاسخگوی رویه دولت‌ها باشد بلکه جامعه بین‌المللی به ضمانت‌اجرایی در این خصوص نیازمند است تا خلأ موجود پر شود. دولت‌ها باید قوانینی به قوانین داخلی خود اضافه کنند تا در آن حقی برای زنان به رسمیت شناخته شود.



## نتیجه گیری

با توجه به تحقیقات صورت گرفته و بررسی کنوانسیون های موجود که از مهم ترین منابع حقوق بین الملل هستند، مشاهده شد که شکنجه واژه ای گسترده است که در واقع، مفاهیمی از قبیل تبعیض، خشونت، نابرابری، آزار و اذیت جنسی، قاچاق، استثمار شغلی و ... را در بر می گیرد. بعضی از مفاهیم منجر به شکنجه بدنی و جسمی و برخی منجر به شکنجه روحی می گردد که عواقب غیرقابل جبرانی را تا پایان زندگی برای تمامی افراد جامعه در پی دارد، زیرا قسمت عمده ی پرورش و تربیت فرزندان بر عهده ی مادرانی است که قربانیان اصلی خشونت هستند و یا بعضاً به طور غیرمستقیم تحت تأثیر این ناهنجاری های رفتاری قرار دارند و در هر دو حالت، ناخودآگاه سبب انتقال عواقب ناشی از شکنجه به فرزندانشان می شوند. با این اوصاف به نظر می رسد مهم ترین رویکرد در رابطه با پیشنهاد های انتظامی - اجتماعی، همین موضوع می باشد.

جامع ترین تعریف از شکنجه علیه زنان در ماده ۱ اعلامیه حذف خشونت علیه زنان آمده است که طبق آن هرگونه عمل خشونت آمیزی که براساس جنس اعمال شود و سبب رنجاندن جسمی و روانی گردد، خشونت محسوب می شود. در نتیجه، براساس این تعریف، بسیاری از اعمال دول مختلف را می توان خشونت تلقی کرد. بسیاری از دولت ها، پا را از زندگی جمعی فراتر گذاشته و در زندگی خصوصی زنان دخالت دارند از جمله در مسائلی از قبیل مالکیت خصوصی، تعداد فرزندان، عقیده و ... در ماده دوم این اعلامیه بعضی از انواع خشونت ها تعبیر شده اند.

رفع نتایج حاصل از نابرابری های جنسیتی بر جامعه، مستلزم شناخت عوامل و ریشه های آن، تحلیل و بررسی تمام شاخص ها و فاکتورهای تأثیرگذار، بررسی موانع موجود و ارائه پیشنهاداتی جهت برطرف کردن و ایجاد جامعه ای ایده آل است.

نابرابری جنسیتی به معنی هرگونه رفتاری است که براساس جنسیت افراد انجام می گیرد و سبب شکنجه می شود. به طور کلی این نابرابری ها ناشی از بنیان نهادن عقیده ای نادرست از برتری تلقی کردن جنس مرد بر زن است که تغییر این نگرش باید اولین و اساسی ترین قدم در جهت رفع نابرابری جنسیتی باشد. نگرشی که در ظاهر زن و مرد را مساوی و برابر می داند و برای توجیه این تبعیض ها، عواملی مانند احساسات، تفاوت های ظاهری و جسمی، تفاوت های فطری و زیست شناسانه را در ایجاد نابرابری دخیل می دانند. این تبعیض ها، در جوامع توسعه یافته و با درآمد بالا کمتر از کشورهای کمتر توسعه یافته و با درآمد پایین مشاهده می شود. در واقع، شاخص تبعیض جنسیتی از جمله فاکتورهای تأثیرگذار در درجه ی توسعه یافتگی کشورها محسوب می شود. شاخص توانمندسازی زنان هم یکی دیگر از شاخص های توسعه یافتگی کشورهاست که توانمندسازی را در «حضور مستمر و فعال زنان در عرصه های کلان تصمیم گیری» معنا می کند. طبق تعریف برنامه توسعه سازمان ملل متحد، توانمندسازی زنان صرفاً شامل دستیابی به نتایج حاصل از توسعه نمی گردد بلکه مشارکت زنان در فرایند توسعه همه جانبه اهمیت ویژه دارد. بنابراین، کشوری که نقش زنان در توسعه همه جانبه ( انسانی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی) را حائز اهمیت می داند، می تواند جایگاه بهتری نسبت به سایر کشورها در توسعه



داشته باشد. عواملی که در این نابرابری‌ها مؤثرند، همواره در یک راستا پیش می‌روند و بر هم تأثیر می‌گذارند. شاید بتوان ناهنجاری‌های اجتماعی را مهم‌ترین فاکتور در این مقوله دانست، زیرا بر تمامی مسائل جامعه سیطره دارد. البته شرایط نامساعد اقتصادی هم می‌تواند در تأثیر مستقیم با ناهنجاری‌های اجتماعی، این نابرابری‌ها را تشدید نماید.

عدم بهره‌مندی مناسب از آموزش‌های لازم مسئله‌ای بسیار مهم است که سبب کاهش اعتماد به نفس در زنان و به دنبال آن، عدم کارایی در بازار کار، ترجیح مردان به زنان برای تصدی مناصب، احتساب اکثر مشاغل توسط مردان یا کسب شغل به شرط درآمد کم برای زنان، ناتوانی اقتصادی زنان، کاهش حضور در اجتماع، محدود شدن به نقش‌های کلیشه‌ای و عدم تربیت صحیح فرزندان، کاهش اهمیت به بهداشت و شرایطی از این قبیل می‌گردد. در نتیجه، عدم بهره‌مندی از آموزش‌های لازم، می‌تواند نتایج منفی در پی داشته باشد.

در تمامی کشورهای جهان، درصد زنان بی‌سواد بیشتر از مردان بی‌سواد است. رفع این معضل قطعاً گامی مؤثر در مسیر رسیدن به برابری جنسیتی می‌باشد. عدم بهره‌مندی زنان از آموزش‌های مورد نیاز سبب می‌شود زنان نتوانند آن‌گونه که شایسته است در مناصب مدیریتی و حکومتی ایفای نقش نمایند. در نتیجه، نقش مردان در تصمیم‌گیری‌های کلان حکومتی نسبت به زنان پررنگ‌تر است. حضور زنان در پست‌های مهم حکومتی می‌تواند سبب وضع قوانین شود که زنان را عضوی فعال خوانده و آنان را محور امور قرار دهد نه اینکه سبب به حاشیه رانده شدن آنان باشد. قوانین بین‌المللی در این زمینه به تصویب رسیده است ولی عرصه فکر تا عمل هنوز بسیار با هم فاصله دارد. هیچ اجباری برای کشورها در جهت عمل به این قوانین یا پیوستن به این معاهدات وجود ندارد. بنابراین، دولت‌های مستبد، قطعاً آزادی عمل خود را از دست نمی‌دهند و زیر بار قوانین مغایر با نگرش غلط اجتماعی یا مذهبی خود نمی‌روند. برای مثال علیرغم تأکید اسناد بین‌المللی در ارتباط با آزاد و برابر بودن تمامی افراد، کشورهایی وجود دارند که زنان از حق رأی دادن محرومند ولی مردان آن جامعه می‌توانند همزمان ۴ ازدواج دائم داشته باشند. دوجانگی بین قوانین داخلی و قوانین بین‌المللی موجود نشانگر این است که هنوز کشورهای بسیاری وجود دارند که از پذیرش مفاد قوانین در جهت همگون کردن قوانین داخلی خود با اسناد بین‌المللی امتناع کرده‌اند و قدمی در جهت رفع تبعیض‌ها برنداشته‌اند. علیرغم تأکید اسناد بین‌المللی به رفع قوانین داخلی مغایر با معاهدات بین‌المللی مربوطه، قوانین داخلی به قوت خود باقی است. کارگروهی لازم است تا به طور مداوم گزارشاتی از وضعیت زنان در هر جامعه تهیه نماید و دولت‌ها را ملزم کند که تمهیداتی جهت ایجاد شرایط ایده‌آل پیش‌بینی کنند و در اولویت سیاست‌های خود قرار دهند.

## منابع

۱. ضیایی بیگدلی، محمدرضا؛ ۱۳۹۷، حقوق بین الملل عمومی، کتابخانه گنج دانش، چاپ بیست و دوم.
۲. مستقیمی، بهرام؛ طارم سری، مسعود؛ ۱۳۹۶، مسئولیت بین المللی دولت با توجه به تجاوز عراق به ایران (زیر نظر جمشید ممتاز) انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول.
۳. قانون مدنی قبل و بعد از استقرار جمهوری اسلامی ایران
۴. اعلامیه حقوق بشر، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ پاریس.



۵. پروتکل اختیاری کنوانسیون حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، مصوبه ۱۵ اکتبر ۱۹۹۹- قطعنامه شماره ۵۴/۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد
۶. کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد، مصوبه ۲۶ دسامبر ۱۹۶۶ / قطعنامه A 2200 قدرت اجرایی بنابر ماده ۴۹، ۲۳ مارس ۱۹۷۶.
۷. کنوانسیون حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان مصوبه ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ (۲۷ آذر ۱۳۵۸)- قطعنامه شماره ۳۴/۱۸۰
8. Bahdi R, 2018: Duke Journal of Gender Law & Policy, Volume 9:237.
9. Fortin K, 2019: An evaluation of the Committee against Torture's attitude to sexual violence, Rape as Torture, Volume 4, Issue 3.
10. Mattler S, Michael P, 2005: Forced marriage, Case Research Paper Series in Legal Studies, Working Paper 05-35.
۱۱. دویچه وله فارسی، ۲۰۱۴/۰۲/۱۶، خشونت سازمان یافته علیه زنان زندانی در عراق، آدرس دسترسی:

<http://dw.de/p/1B3oO>